

تحلیل ابعاد و انحاء مبحث تهجد در قرآن کریم

فاطمه صغری برقرار^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ طلبه سطح چهار (دکتری) رشته تفسیر تطبیقی، موسسه آموزش عالی الزهراء (س) گرگان، استان مازندران، استان گلستان، ایران، عضو مرکز پژوهشی

مطالعات اسلامی الزهراء (س) گرگان، پژوهشگر و فعال فرهنگی

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر (نویسنده مسئول)

چکیده

هر کس بتواند در این دنیا نفس خویش را بشناسد و خالصانه خداوند را عبادت و اطاعت کند، به دریای بی کران رضوان الهی متصل می‌شود و در خیر جاویدان باقی خواهد ماند. یکی از بهترین عبادت‌ها برای رسیدن به قرب الهی و آرامش درونی، تهجد شبانه و راز و نیاز در دل شب با خداوند می‌باشد؛ لذا برای رسیدن به این مقام آشنایی با مفهوم تهجد، جایگاه ویژه‌ای در تعالیم اسلامی و قرآن دارد. پرسش اساسی در این تحقیق این است که مراد خداوند از تهجد در آیات قرآن چیست؟ و چگونه می‌توان توفیق انجام آن را کسب نمود؟ در این مقاله تلاش شده است با بهره‌گیری از روش توصیفی و با مطالعه اسنادی و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا و روش مفهوم شناسی که از طریق رابطه تضاد، همنشینی و جاننشینی تشکیل شده است، به بررسی مفهوم تهجد در قرآن پرداخته شود تا با فهم آن بتوانیم به کمال نهایه‌ای که قرب الهی است، برسیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد برای رسیدن به تهجد باید از حب دنیا که مانع اصلی مسیر می‌باشد، دوری کرد و عواملی مانند: انفاق، صبر، زکات و امر به معروف و نهی از منکر در کنار تهجد ما را به درجه قرب الهی می‌رساند.

واژه‌های کلیدی: مفهوم شناسی، تهجد، قرآن، صبر، امر به معروف و نهی از منکر، حب دنیا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

نماز، اولین نشانه عملی و ایمان قلبی یک مسلمان و پاک‌ترین تسبیح آفرینش است. مهم‌ترین بخش نماز بعد تربیتی انسان می‌باشد. یکی از بهترین و شریف‌ترین اعمال مستحبی مربوط به نماز، تهجد شبانه و مشغول شدن به عبادت و رازونیا با خداوند متعال است. عبادت‌های شبانه نشانه عشق و محبت انسان به آفریدگار است و این علاقه باعث می‌گردد انسان از خواب شبانه دل کند و به راز و نیاز شبانه با محبوب رو آورد و اگر آن عشق نباشد انسان با چه انگیزه‌ای در تنهایی و تاریکی، از استراحت دست بشوید و در خلوتی عارفانه به گفتگو با معشوق خود بپردازد.

شب، رمز و راز عجیبی دارد؛ اگرچه تاریک و خاموش است، اما برای اهل دل، سپیدی و نورانیت ویژه‌ای دارد. کلمه لیل و مشتقات آن ۸۱ بار در قرآن ذکر شده‌است. چه بسیار برکت‌های الهی که در شب نازل شده‌است. خداوند قرآن را در شب نازل کرد (قدر/۱)، رسول اطهرش را شبانگاه به معراج می‌برد (اسراء/۱)، ضیافت حضرت موسی در محضر ربوبی، در شب به وقوع می‌پیوست (اعراف/۱۴۲)، توحید ابراهیم خلیل از شب و ستارگان درخشان آغاز شد (انعام/۷۶) و در اهمیت شب همین بس که خداوند به آن قسم یاد کرده‌است (فجر/۲). امام حسن عسگری نیز در باب اهمیت شب فرمودند: «رسیدن به خداوند عزوجل سفری است که جز با مرکب شب، پیمودن راه و رسیدن به مقصد ممکن نیست» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۷۸: ۳۷۹).

بهترین راه برای کسب فهم صحیح از راز و رمزهای تهجد، مراجعه به قرآن می‌باشد؛ زیرا قرآن کریم قابل اعتمادترین منبع برای دستیابی به معارف وحیانی می‌باشد و تنها کتاب آسمانی است که با عنایت ویژه خداوند از هرگونه تحریف مصون مانده است (حجر/۹). این کتاب گران‌سنگ، انسان‌ها را به استوارترین روش زندگی هدایت می‌کند؛ لذا اهمیت آشنایی بر این کتاب آسمانی بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست. در قرآن هدف از خلقت انسان، رسیدن به کمال که همان قرب الهی می‌باشد، بیان شده‌است که خداوند از آن به سعادت ابدی و جاودان نام برده‌است.

یکی از راه‌های رسیدن به این مقام، تهجد می‌باشد. پویندگان راه کمال در دل شب راه را یافته‌اند و رهروان راه سعادت از شب به فلاح و رستگاری رسیده‌اند.

در دنیای مدرن امروزی با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی که سعی در به وجود آمدن رفاه بیشتر بشریت را دارد ولی آرامش روحی در افراد کمرنگ شده که یکی از عوامل آن، نبود قرب الهی است. هر چه انسان‌ها از خداوند فاصله بگیرند به همان اندازه از آرامش روحی، دور می‌شوند. یکی از راه‌های کسب آرامش، تهجد می‌باشد. از مهم‌ترین امور برای رسیدن به درک و شناخت آن، بررسی و تحلیل واژگان قرآن کریم است.

در این تحقیق سعی داریم با استفاده از روش مفهوم‌شناسی که از طریق رابطه تضاد، همنشینی و جانشینی، با بررسی پیوند میان واژگان مختلف که در یک زنجیره گفتاری هستند و یا واژه‌هایی که لزوماً حضور فیزیکی در جمله ندارند، ولی می‌توانند به جای هم انتخاب شوند، به مفهوم‌شناسی تهجد بپردازیم. تهجد از جمله فضایل ارزشمندی است که بارها در قرآن از آن سخن به میان آمده‌است. در قرآن کریم ۲۲ آیه در مورد تهجد شبانه سخن به میان آمده‌است که شش مورد از آن خطاب به پیامبر و بقیه خطابات آیات، عام می‌باشد. از بین سوره‌هایی که در آن به تهجد اشاره شده‌است نه سوره مکی و دو سوره مدنی می‌باشد.

سوال اصلی پژوهش این است که مراد خداوند از تهجد در آیات قرآن چیست؟ برای رسیدن به این مقام و انجام دستورات مربوط به آن، که در قرآن بیان شده و همواره ثابت و تغییرناپذیر می‌باشد، لازم است که تمامی ابعاد آن را به صورت دقیق بشناسیم. سعی می‌گردد در خلال این بررسی موضوعی تحلیلی، مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی جهت نیل به تهجد را از دیدگاه قرآن ارائه دهیم.

۱. مفهوم‌شناسی واژه «تهجد»

واژه تهجد، از ریشه «ج-د» به معنای خوابیدن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۶: ۳۴؛ جوهری، ۱۴۰۴ق، ۲: ۵۵۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳: ۴۳۳) و بیدار شدن (جوهری، ۱۴۰۴ق، ۲: ۵۵۵؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ۴: ۴۰۶) است، از این رو برخی آن را از لغات اضداد شمرده‌اند (طریحی، ۱۴۱۶ق، ۴: ۴۰۶؛ جوهری، ۱۴۰۴ق، ۲: ۵۵۵؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۵: ۳۳۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳: ۴۳۳). برخی معنای اصلی این ریشه را فارغ شدن شخص از کارهای روزانه دانسته‌اند؛ لذا هم شامل کارهایی چون عبادت خدا و هم کارهای دیگری مانند خواب یا استراحت و یا صرف بیدار بودن می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ۱۱: ۲۸۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۳: ۳۸۵). برخی معنای «هَجُود» (مصدر ثلاثی مجرد) را به خواب رفتن و معنای «تهجد» (مصدر باب تفاعل) را بیدار شدن از خواب دانسته‌اند (نحاس، ۱۴۲۱ق، ۴: ۱۸۳؛ طوسی، بی‌تا، ۶: ۵۱۱؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵ق، ۱: ۱۲۹).

تهجد در اصطلاح متون دینی به معنای نماز شب (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ۹۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۵: ۱۳۸) یا بیدار شدن از خواب برای نماز شب (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۵: ۱۳۸) یا مطلق ذکر و عبادت خداست (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۶: ۲۸۳؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ۳: ۲۶۹). به باور برخی تهجد تنها به عبادات مستحب و نیز عباداتی که پس از بیدار شدن از خواب انجام می‌شود، اطلاق می‌گردد، از این رو به عبادات واجب یا عبادات مستحبی که قبل از خواب شب انجام شود، تهجد نمی‌گویند (طوسی، بی‌تا، ۶: ۵۱۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۹: ۱۷۷؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ۳: ۴۷۸). به کسی که نماز شب می‌خواند متهجد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۶: ۳۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳: ۴۳۱)، هاجد یا هجود گفته می‌شود (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۳۳۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۳۴۷).

۲. واژگان هم‌نشین با تهجد در قرآن کریم

برای اینکه واژگان یا نشانه‌های زبانی بتوانند پیامی را برسانند، باید طبق روال خاصی، بر روی یک محور افقی در کنار هم بنشینند. حال اگر واحدهای یک جمله را بررسی کنیم، درمی‌یابیم که هر یک از آنها جزء یک مقوله دستوری و مکمل یکدیگر هستند و چنان‌چه یکی از واحدهای هم‌نشین تغییر یابد یا حذف شود، در مفهوم پیام نیز خلل ایجاد می‌شود. این محور را محور هم‌نشینی می‌گویند و رابطه واحدهایی را که بر روی این محور و در کنار هم می‌نشینند، رابطه هم‌نشینی می‌نامند (صفوی، ۱۳۷۹ش: ۲۸-۲۷).

در این قسمت از پژوهش به بررسی هم‌نشینان تهجد پرداخته می‌شود که الفاظی هستند با آمدن در کنار تهجد، بعدی از ابعاد آن را روشن می‌سازند و با قرار گرفتن تهجد در کنار هر یک از واژه‌هایی که در ذیل خواهد آمد یک وجه از معنای آن تکمیل و روشن می‌گردد. در این قسمت هم‌نشینان را می‌توان به دو قسمت واژگانی که در کنار تهجد قرار گرفتند و واژگانی که به عنوان غایت تهجد در زمره هم‌نشینان قرار می‌گیرد تقسیم کرد که در ذیل به شرح آن می‌پردازیم:

بررسی آیات در قرآن کریم حاکی از آن است که چهار کلمه «انفاق»، «زکات»، «صبر» و «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان همنشین تهجد قرار گرفته است که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم:

۱-۲. بررسی همنشینی «انفاق» و «تهجد»

انفاق از ریشه‌ی «ن ف ق» مشتق شده و به معنای کم شدن، هزینه کردن، مخفی کردن و پوشاندن است (فیروزآبادی، ۱۴۱۷ق: ۱۲۲۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۱۹). در کاربرد رایج قرآن کریم و متون دینی، «انفاق» اصطلاحاً به اعطای مال یا چیزی دیگر در راه خدا به فقیران و دیگر افراد نیازمند گفته می‌شود (سجادی، ۱۳۵۷ق: ۳۲۳). هم‌چنین تعبیرهایی هم‌چون صدقه، زکات، قرض‌الحسنه که از مصادیق انفاق می‌باشند در قرآن به کار رفته است. واژه‌ی «انفاق» و مشتقات آن ۸۶ بار در قرآن به کار رفته است. در سوره سجده/۱۶؛ مزمل/۲۰؛ آل عمران/۱۷؛ ذاریات/۱۹؛ فرقان/۶۷، خداوند یکی از خصوصیات متعهدین را انفاق بیان می‌کند. در این آیات کسانی که خود را از بخل و حرص باز می‌دارند و در اموالشان حقی برای سائل و تهدیدستان قائلند همنشین تهجد معرفی شده‌اند. گویا انفاق دلیلی برای کسب توفیق تهجدانان بیان شده است.

۲-۲. بررسی همنشینی «زکات» و «تهجد»

زکات در اصل به معنای نمو و زیادت است که در امور دنیوی و اخروی بکار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۸۱). در قرآن کریم زکات و نماز کنار همدیگر آمده؛ زیرا با طهارت و تزکیه نفس است که انسان در دنیا به صفات پسندیده آراسته می‌شود و در آخرت استحقاق اجر و پاداش می‌یابد. تزکیه انسان نسبت به خودش، دو گونه است: یکی با عمل، که پسندیده است (شمس/۹). دوم با زبان یعنی اینکه انسان، خویش را بستاید و مورد مدح قرار دهد و این مذموم و زشت است. چنان‌که خداوند از آن نهی نموده است (نجم/۳۲). زکات و مشتقان آن ۵۶ بار در قرآن ذکر شده است.

خداوند در سوره مزمل/۲۰، زکات را همنشین تهجد قرار داده است و یکی از خصوصیات متعهدین را پرداخت زکات بیان کرده است و فرموده: کسانی که عبادت‌های شبانه دارند و زکات دهند و هر کار خوبی برای خود پیش می‌فرستند، آن‌را نزد خدا بهتر و با پاداش بزرگ‌تر باز خواهند یافت.

در این آیه خداوند یکی از خصوصیات متعهدین را پرداخت زکات می‌داند و به متعهدین و کسانی که زکات می‌دهند، مژده پاداش بزرگ و نامعلوم را می‌دهد که حاکی از اهمیت بالای این دو امر می‌باشد.

۳-۲. بررسی همنشینی «صبر» و «تهجد»

صبر به معنای خویش‌داری در سختی و تنگی می‌باشد. به‌طور کلی صبر، خودداری و حبس نفس است از آنچه شرع و عقل، اقتضا و حکم می‌کند. بنابراین «صبر» لفظ عامی است که به حسب اختلاف مورد، معنای آن متفاوت می‌شود. مثلاً اگر شکیبایی در مصیبت باشد، آن‌را «صبر» می‌گویند و ضد آن جزع (بی‌تابی) است و اگر شکیبایی در جنگ باشد آن‌را شجاعت و دلیری می‌گویند و ضد آن را جُبِن (ترس) است. و اگر شکیبایی در حوادث ناگوار باشد، آن‌را سعه صدر می‌گویند و ضد آن‌را ضجر و دلتنگی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۷۴). مشتقات صبر ۹۳ بار در قرآن ذکر شده است و تکرار زیاد آن نشان دهنده اهمیت موضوع می‌باشد.

خداوند در سوره مزمل/۱۰؛ آل عمران/۱۷؛ طه/۱۳۰-۱۳۲؛ طور/۴۸؛ ق/۳۹؛ زمر/۱۰؛ انسان/۲۴، صبر را همنشین تهجد معرفی کرده است. تکرار بالای همنشینی صبر و تهجد گویای این امر است که انسان متعهد حتماً باید این خصیصه را داشته باشد تا بتواند با صبوری، سختی عبادت شبانه را بر خود هموار و شیرین سازد. بیشترین تأکید صبر در این آیات، صبر بر حکم خدا، گناه نکردن و صبر بر آزار مشرکان می‌باشد و بیان نموده است که صابرين پادششان را كامل و بدون حساب دریافت می‌کنند.

۲-۴. بررسی همنشینی «امر به معروف و نهی از منکر» و «تهجد»

تعریف و برداشتی که از امر به معروف و نهی از منکر می‌شود، برحسب نوع معنایی که از واژه «معروف» و «منکر» اراده می‌شود و نیز بر حسب تفسیری که از امر و نهی و مصادیق و مراتب آن می‌شود و بالاخره بر حسب مرجع اعمال‌کننده آن یعنی امر و ناهی، متفاوت می‌باشد.

در تبیین معنای معروف و منکر، اقوال گوناگونی ارائه شده است؛ برخی معنای معروف و منکر را همان واجبات و محرمات می‌دانند و برخی دیگر مستحبات و مکروهات را نیز به معنای این دو افزوده اند (فاضل مقداد، ۱۳۶۸ق: ۵۷؛ ۵۸). علاوه بر این، در تبیین مفهوم این دو واژه مرجع تشخیص (شرع و عقل) نیز لحاظ شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۳۱). معروف به معنای آن چه که با ذائقه افراد یک جامعه سازگار و در میان آنان مرسوم و متداول باشد، دانسته می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲/۲۳۶)؛ در این معنا مرجع تشخیص معروف علاوه بر عقل و شرع، عرف اجتماعی نیز می‌باشد.

بررسی آیه ۱۱۴ سوره آل عمران حاکی از آن است که امر به معروف و نهی از منکر نیز یکی از همنشینان تهجد ذکر شده است و یکی از خصوصیات متعهدین این است که اوامر و نواهی خدا را می‌پذیرند و دیگران را نیز امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

از بررسی همنشینان تهجد مشخص می‌شود که واژگان انفاق، زکات، صبر و امر به معروف و نهی از منکر از حیث غایت و هدف نهایی که شخص به آن می‌رسد و هم از حیث راه وصول به قرب الهی، همسو با تهجد می‌باشد. شخص برای رسیدن به تهجد لازم است راه منتهی به مقصد را با طی مشقت برخورد هموار سازد تا راه قرب الهی برای او فراهم آید. این معنا را به صورت مشترک در محور معنایی آیات ذکر شده می‌توان به عنوان همنشین با تهجد دید. در نتیجه کسانی که این خصوصیات را دارا باشند، می‌توانند توفیق تهجد را کسب نمایند.

۳. واژگان غایت تهجد

در این بخش از همنشینان، به بررسی آیاتی که غایت تهجد را بیان می‌کند، می‌پردازیم:

۳-۱. مقام محمود (پسندیده) غایت تهجد

ابن عباس می‌گوید مراد از «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ» در آیه «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحَلًّا مُمُودًا»؛ و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد. اسرا/۷۹»، یعنی ای پیامبر، شب را نماز بخوان. «نَافِلَةً لَكَ»: نمازهایی که در شب می‌خوانی، برای تو غنیمتی است. البته نماز شب، بر پیامبر واجب بود، ولی برای دیگران مستحب است. برخی گویند:

یعنی نماز شب، برای تو و دیگران، نافله است. علت اینکه فقط پیامبر را مخاطب ساخته، این است که: دیگران را تشویق کند که به حضرت اقتدا و سنتش را پیروی کنند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۶: ۶۷۰).

«عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»: هر گاه خداوند، «عسی» را بکار برد، معنای آن وجوب و لزوم است. «مقام» نیز به معنای «بعث» می‌باشد. یعنی: اگر این دستورات را انجام دهی، خداوند در روز قیامت، به نحوی شایسته و پسندیده، تو را مبعوث می‌کند. ممکن است «بعث» را به معنای «اقامه» بگیریم؛ بنا بر این معنای آیه، این است: خداوند تو را در مقامی ستوده، وامی‌دارد که اولین و آخرین تو را ستایش کنند. این مقام، همان مقام شفاعت است که پیامبر در آن مقام، بر تمام خلایق، شرافت و برتری پیدا می‌کند. در این مقام، هر چه از او سؤال کنند، عطا می‌کند و هر کس از او شفاعت بخواهد، شفاعتش می‌کند، مفسران قرآن کریم، اتفاق دارند که: «مقام محمود» همان مقام شفاعت است. بنا بر این پیامبر گرامی اسلام، اول شفاعت کننده و اول کسی است که شفاعت او به درگاه خدا قبول می‌شود (همان: ۶۷۱).

مقام محمود، فقط یکبار در قرآن ذکر شده است که خداوند آن را همنشین تهجد قرار داد و پیامبر را اولین کسی می‌داند که به واسطه تهجد به مقام شفاعت نائل گردید و در مرحله بعد، دیگر انسان‌ها نیز می‌توانند در گرو تهجد به این مقام نائل گردند. هر کس بر پایه لیاقت و شایستگی می‌تواند درجه‌ای از آن مقام را به دست آورد. خداوند کریم اراده کرده است هر کسی را به اندازه شایستگی به او عنایت فرماید. انسان‌هایی که توانستند در عالم امکان تصرف و کار خدایی کنند به این مرتبه نرسیدند، مگر از طریق عبودیت و بندگی.

۲-۳ محسنین غایت تهجد

کریمه «ءَاخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ»؛ و آنچه پروردگارشان به آنها بخشیده دریافت می‌دارند، زیرا پیش از آن (در سرای دنیا) از نیکوکاران بودند. ذاریات/۱۶»، حاکی از آن است که آنها قابلیت آنچه را که پروردگار مهربان به آنها اعطاء کرده، دارند در حالی که از خداوند و از آنچه به آنها داده راضی هستند. این معنا از تعبیر به «آخذین» و «ایطاء» و از نسبت ایطاء به پروردگارشان فهمیده می‌شود.

کریمه فوق مطالب قبل خود را تعلیل کرده و می‌فرماید: اگر متقین چنین وضعی دارند به خاطر این است که در دنیا نیکوکار بودند و اعمال نیکی داشتند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۸: ۳۶۹). در این آیه با توجه به آیات بعد، خداوند کسانی را که ساعات کمی از شب می‌خوابند و در هنگام سحر استغفار می‌کنند را با عبارت «محسنین» خطاب می‌کند و آنرا همنشین تهجد قرار داده است. گویا تهجد شبانه مقدمه‌ای برای رسیدن به این مقام می‌باشد.

در قرآن کریم لفظ «المحسنین» ۳۰ بار در ۱۴ سوره و به صورت معرفه تکرار شده است ولی لفظ «محسنین» فقط یکبار و به صورت نکره برای متعهدین ذکر شده است. شاید علت نکره آمدن آن این باشد که خداوند در ۳۰ بار تکرار «المحسنین» به اعمالی مانند جهاد، طلاق با احترام، انفاق و اعمال خوبی که برای همه ظاهر و آشکار بود، اشاره می‌کند ولی لفظ نکره «محسنین» مربوط به کسانی است که مخفیانه در نیمه‌های شب به تهجد می‌پردازند و برای دیگران قابل شناخت نمی‌باشند و این نیز می‌تواند اشاره‌ای باشد به اعجاز قرآن که به ریزترین مسائل دقت کرده است و دلیلی بر فوق بشری بودن این کتاب می‌باشد.

۳-۳. عباد الرحمن غایت تهجد

در آیه «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ فرقان/۶۳»، مراد از عبادالرحمن، بندگان مخلص خداوند می‌باشد که خداوند متعال را عبادت می‌کنند و با تکبر در زمین راه نمی‌روند و در برخورد با جاهلان با خوبی با آنان رفتار می‌کنند. گروهی گفته‌اند که مراد کسانی هستند که تسلیم معصیت خداوند نمی‌شوند (طوسی، بی تا، ۷: ۵۰۵). «عِبَادُ الرَّحْمَانِ» فقط دو بار در قرآن (زخرف/۱۹؛ فرقان/۶۳) ذکر شده است که خداوند در سوره فرقان آن دسته از بندگان را که به تهجد مشغول می‌شوند، عبادالرحمن خطاب می‌کند و آن را همنشین و غایت تهجد بیان می‌دارد. در سوره زخرف نیز خداوند این لفظ را برای فرشتگان نیز استفاده نموده است. گویا خداوند فقط فرشتگان و انسان‌هایی را که تهجد شبانه دارند، با این نام خطاب می‌کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که این مقاماتی که در قرآن بیان شده، فقط به وسیله تهجد کسب می‌شود و خداوند در هیچ جای قرآن راه رسیدن به این مقامات را عامل دیگری ذکر نکرده است و این خود گویای اهمیت تهجد در قرآن می‌باشد و تهجد این خاصیت را دارد که آدمی را به سوی این مقامات هدایت نموده و به سعادت، بشارت دهد.

۴. مصادیق تهجد در قرآن کریم

واژه تهجد فقط در یک آیه قرآن و به صورت فعل امر یاد شده است: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ؛ اسرا/۷۹»، اما در برخی منابع تفسیری مراد از باقیات صالحات «وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا؛ كهف/۴۶؛ مریم/۷۶»، نیز نماز شب دانسته شده است (طوسی، بی تا، ۷: ۵۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ۳: ۲۴۴؛ حویزی، ۱۴۱۵ ق، ۳: ۲۶۴) و نیز در برخی منابع تعبیر «فَإِذَا قَرَعْتَ فَانصَبْ وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْعَبْ؛ شرح/۷»، به نماز شب تفسیر شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ۸: ۵۵۱)، اما موضوع «تهجد» با تعابیر دیگری در قرآن مطرح شده است که در ذیل به شرح آن می‌پردازیم:

۴-۱. نماز شب یکی از مصادیق تهجد

از مهمترین مصادیق تهجد، نماز خواندن است که از آن به نماز شب تعبیر شده است (محقق حلی، ۱۴۲۷ ق، ۱۰: ۳۰۸). در قرآن کریم، نماز شب سه بار به عنوان مصادیق تهجد بیان شده است. در آیه «وَ الَّذِينَ يَبْتَئُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَ قِيَامًا، فرقان/۶۴؛ کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند». واو (و الذین) عطف به آیه قبل می‌باشد یعنی عباد الرحمن کسانی هستند که شب را به روز می‌آورند در حالی که سجده کنندگان و ایستادگان می‌باشند که تمام شب یا بعضی از شب را به نماز و سجده و قیام می‌گذرانند و نافله شب می‌خوانند.

برخی بر این باورند که هر کس قسمتی از شب یا تمام شب را احیاء نماید و یک نماز بخواند خواه در جزء اول شب باشد یا آخر داخل در این آیه است (مجتهده امین، ۱۳۶۱، ۹: ۲۱۳-۲۱۴).

در کریمه «وَ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ» و در شبانگاه برای او سجده کن، انسان/۲۶»، مراد از سجده این است که در پاسی از شب برای خدا نماز بگزار، بعضی گفته‌اند: نماز مغرب و عشاء آخر را بگزار. (طبرسی، ۱۳۷۷ ش، ۴: ۴۱۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ۶: ۲۵۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۲۶: ۴۲۸). در آیات یک تا سه سوره مزمل «يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نَّصَفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا»، مراد این است که نیمی از شب را بپا خیز و یا کمی از نصف کم کن و یا اندکی بر نصف بیفزای و این تردید

بین سه امر، تردید تخییر است. می‌خواهد بفرماید: مخیری بین اینکه نیمی از شب را زنده بداری و یا کمی کمتر از نصف و یا کمی بیشتر از آن را و نماز شب بخوان و در برابر آنچه به تو می‌گویند صبر کن، همانطور که به عموم مسلمانان سفارش کرده برای مقاوم شدن در برابر ناملایمات از صبر و نماز کمک بخواهند «اَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛ بقره/۱۵۳». خداوند با این دستور به پیامبر گرامی اسلام فهمانده که باید خود را در مقابل اندوه‌های بزرگتر و مصائب تلخ به وسیله نماز و صبر مقاوم سازد، نه به وسیله پیچیدن جامه و خوابیدن (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۰: ۶۰). در سه آیه فوق خداوند بیان می‌کند که یکی از راه‌های عبادت شبانه نماز می‌باشد.

۴-۲. قرائت قرآن یکی از مصادیق تهجد

چهار آیه (اسرا/۷۸؛ مزمل/۴-۲۰؛ آل عمران/۱۱۳، قرائت قرآن را یکی از مصادیق تهجد معرفی کرده‌است. در آیه چهار سوره مزمل «...وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً»، ترتیل قرآن به معنای تلاوت آن است به نحوی که حروف پشت سر هم آن روشن و جدای از هم به‌گوش شنونده برسد و این جمله عطف است بر جمله «قُمِ اللَّيْلَ»، که در آیات قبل ذکر شده است و معنای آن دو این است که شب برخیز و قرآن را به ترتیل بخوان. ظاهراً مراد از ترتیل قرآن، ترتیل آن در نماز و یا اصلاً منظور از قرآن، خود نماز است و خدای تعالی نظیر این تعبیر را از نماز کرده، مثلاً فرموده: «اقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً؛ اسرا/۷۸» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۰: ۶۰).

برخی معتقدند مراد آیه شریفه این است که قرائت قرآن را واجب کند نه نماز را (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۴: ۶۳۷). مراد از کریمه «..... فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ؛ مزمل/۲۰»، این است که پیامبر اسلام و اصحابش به جهت مشتبه بودن نصف شب و کمتر یا بیشتر، از خوف ترک واجب به زحمت می‌افتادند به حدی که پاهای مبارک حضرت ورم می‌نمود. بعد از یک یا ده سال، این تکلیف برداشته شد و خداوند فرمود: به هر اندازه‌ای که برای شما ممکن است از قرآن تلاوت کنید (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ۱۳: ۳۶۸).

مراد از کریمه «... يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ عَنَاءَ اللَّيْلِ ؛ آل عمران/۱۱۳»، این است که اهل کتاب، همه یکسان و بد نیستند، بلکه در بین آن‌ها گروهی هستند که در ایمان ثابت بوده و آیات خدا را در ساعات شب و اوقات خلوت می‌خوانند و خدا را عبادت می‌کنند و در دینشان مؤمن و نیکوکار و نسبت به اسلام مستضعف بودند (قرشی، ۱۳۷۵، ۲: ۱۶۶-۱۶۵).

بررسی آیات فوق حاکی از آن است که قرائت قرآن یکی از راه‌های عبادت شبانه می‌باشد، اما درباره این که آیا در تهجد، قرآن به‌طور مستقل باید تلاوت شود یا مراد از آن، قرائت قرآن در نماز است دو دیدگاه وجود دارد: نخست این که مراد تلاوت مستقل است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰: ۱۶۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۴: ۶۴۳). دیدگاه دوم آن است که مراد آیه ۲۰ مزمل، تلاوت قرآن در نماز شب است (قطب راوندی، ۱۴۰۵ق، ۱: ۱۲۷؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ۱: ۲۰).

۴-۳. استغفار یکی از مصادیق تهجد

مصدق دیگر تهجد، استغفار از گناهان و طلب بخشش از خداوند برای خود و دیگران است. خداوند در قرآن کریم سه بار از استغفار شبانه یاد کرده است. اولین آیه «كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبِأَنسَابٍ كَانَتْ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؛ ذاریات/۱۷-۱۸» می‌باشد و مراد کسانی هستند که بیشتر شب نماز می‌خوانند و در اوقات سحر استغفار می‌کنند و از خدای تعالی آمرزش می‌خواهند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۱۸: ۹۷). دومین آیه «وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ؛ مزمل/۲۰» می‌باشد و مراد کسانی هستند که شب هنگام با استغفار باب توبه را برای خود می‌گشایند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۷: ۴۵۳). سومین آیه «وَ

المُسْتَغْفِرِينَ بِالسَّحَارِ آل؛ عمران/۱۷» می‌باشد و منظور از کلمه «استغفار» در سحرها، نماز شب و استغفار در آن است و روایات وارده، استغفار در اسحار را به نماز شب و استغفار در قنوت آخری که همان یک رکعت «وتر» است تفسیر نموده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۳: ۱۱۳). بررسی آیات فوق حاکی از آن است که استغفار یکی از راه‌های عبادت شبانه می‌باشد، ولی مفسرینی مانند طباطبایی مراد از استغفار را نماز شب می‌دانند.

۴-۴. تسبیح یکی از مصادیق تهجد

تسبیح و ذکر خداوند در برخی آیات مصداق تهجد به شمار رفته است. در کریمه «وَمِنْ أَمَانِ الْأَيْلِ فَسَبِّحْ...؛ طه/۱۳۰» مراد از تسبیح، نماز است، زیرا نماز شامل تسبیح و تنزیه خداوند هم می‌باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۶: ۲۰۴). مراد از آیه «وَمِنْ أَيْلِ فَسَبِّحْهُ وَادْبَارَ النُّجُومِ؛ طور/۴۹» این می‌باشد که خداوند را با تلاوت قرآن و نماز شب عبادت کن (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ۷: ۴۰۹). آیه «وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا؛ انسان/۲۶» قسمتی از شب را برای خدا نماز بخوان (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰: ۶۲۵).

بررسی آیات فوق حاکی از آن است که تسبیح یکی از راه‌های عبادت شبانه می‌باشد، اما مراد از تسبیح در آیات به نظر برخی از مفسرین، نماز شب است (جصاص، ۱۴۰۵ق، ۵: ۲۹۷؛ طبرسی ۱۳۷۲ش، ۹: ۲۵۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۶: ۲۰۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰: ۶۲۵)؛ ولی برخی مقصود از آن را تسبیح پیش از نماز شب (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۷: ۲۳) و برخی مراد از آن را، ذکر تسبیح چه در نماز و غیر آن می‌دانند (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ۵: ۴۲۶). بررسی‌ها نشان می‌دهد که در قرآن کریم، نماز، استغفار، قرائت قرآن و تسبیح از راه‌های تهجد و عبادت‌های شبانه می‌باشد، ولی در مورد قرائت قرآن و تسبیح برخی از مفسرین بر این باورند که آن جزئی از نماز است و عمل مستقلی محسوب نمی‌گردد و برخی از مفسرین هم مراد از استغفار را همان نماز شب می‌دانند.

۵. فواید تهجد در قرآن کریم

خداوند در سه آیه از قرآن به فواید و آثار تهجد اشاره کرده است و آن را فراتر از عبادت‌های روزانه معرفی نموده است. آیه «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا؛ مزمل/۵» این معنا را می‌رساند که اگر گفتیم شب‌زنده‌داری کن و در شب با خواندن نماز متوجه درگاه ما شو، برای این بود که خود را برای کرامت قرب و شرف حضور و افتخار هم‌کلامی با ما آماده سازی، تا ما قول ثقیلی را بر تو القاء کنیم. بنا بر این نماز شب راهی است که پیامبر را به چنین موقعیتی منتهی می‌سازد.

مراد از کریمه «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأًا وَأَقْوَمُ قِيَالًا؛ مزمل/۶» این است که نماز شب، استوارترین و صائب‌ترین سخن است، برای اینکه در نماز شب حضور قلب بیشتر و توجه به کلام دقیق‌تر است و معنای آیه این است که حادثه شب و یا نماز در دل شب ثابت‌قدم‌تر است، چون خدای تعالی شب را مایه آرامش قرار داده و نتیجه این آرامش، آن است که خاطر انسان از مشغله‌های روزانه فارغ و دست انسان از اسباب ظاهری بریده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۰: ۶۲-۶۳).

مراد از کریمه «إِنَّ لَكَ فِي النَّهْلِ آيَاتٍ لِّاِرْسَبِحًا طَوِيلًا؛ مزل/۷» د این است که تو در روز مشاغل بسیار داری که همه وقتت را فرا گرفته، فراغتی برایت باقی نمی‌گذارد تا در آن با توجه تام متوجه درگاه پروردگارت باشی و از هر چیزی منقطع گردی، بنا بر این بر تو است که از شب استفاده کنی و در آن به نماز بپرداز (همان: ۶۳).

خداوند در قرآن بیان می‌کند که قرب الهی که به واسطه تهجد فراهم می‌شود، به واسطه عبادت‌های روزانه حاصل نمی‌شود و علت رسیدن پیامبر اسلام به این مقام والا را، در گرو تهجد ایشان می‌داند. انسان اگر بخواهد معارف بلند و سنگین هستی را دریابد و به چشم دل شهود کند، می‌بایست به ریسمان تهجد چنگ زند و آن را وسیله رشد و کمال خود قرار دهد. خداوند به پیامبرش (ص) فرمان می‌دهد که برای دریافت وحی و ارتباط کلامی با خداوند، به تهجد رو آورد. در این زمان است که قول ثقیل و معارف سنگین و بلند بر جان وی نازل می‌شود و خداوند او را سزاوار معرفت شهودی می‌سازد. اگر پیامبر (ص) برای دریافت وحی و قرآن نیازمند تهجد بود دیگران هم به طریق اولی برای دریافت معارف، نیازمند شب زنده داری هستند. خداوند در قرآن کریم فائده دیگر تهجد را حضور قلب بیشتر، بیان می‌دارد؛ زیرا در شب آرامشی به انسان دست می‌دهد که این آرامش در طول روز به خاطر مشغله‌های زندگی برای انسان فراهم نمی‌گردد و به واسطه این آرامش حضور قلب بیشتری در عبادت‌های شبانه حاصل می‌شود که تاثیرگذاری آن را برای رسیدن به قرب الهی بیشتر میسر می‌کند.

۶. واژگان متضاد تهجد در قرآن کریم

نتایج بررسی آیاتی که به بحث تهجد پرداخته است حاکی از آن است که خداوند حب دنیا «يحبون العاجله» را در قرآن، به عنوان عاملی متضاد با تهجد معرفی کرده است که سبب دوری از تقرب الهی می‌شود. در آیه «إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ يَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا؛ آنها زندگی زودگذر دنیا را دوست دارند، در حالی که روز سختی را پشت سر خود رها می‌کنند! انسان/۲۷»، مراد این است که در برابر حکم پروردگارت صبر کن و نماز به پا دار و آثمین و کفار را اطاعت مکن، برای اینکه این آثمین و کفار زندگی دنیا را دوست می‌دارند و جز برای آن عمل نمی‌کنند و روز شدیدی را که در پیش دارند، رها می‌سازند و یا از آن روز که حتما دیدارش خواهند کرد، اعراض نموده، پشت سر خود می‌اندازند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۰:۱۴۲).

نتایج بررسی حاکی از آن است که چون خداوند حب دنیا را بلافاصله بعد از عبادت‌های شبانه (انسان/۲۶) مطرح کرده است، می‌توان آن را عاملی متضاد برای تهجد دانست که در تقابل با آن قرار دارد؛ لذا خداوند صاحبان این خصیصه را به عذابشان در قیامت هشدار می‌دهد و همان‌گونه که تهجد می‌تواند انسان را به خداوند نزدیک کند و به کمال برساند، به همان اندازه حب دنیا می‌تواند انسان را از قرب الهی و کمال دور کند.

نتیجه گیری

آرزوی دست یازیدن به سعادت ابدی از آمال ابناء بشر از ابتدای خلقت انسان بوده و او همیشه به دنبال این گمشده، راه حیرانی را طی نموده است. خروج از این حیرانی، توسل به قرب الهی را درانسان بیدار کرده، خدای تعالی نیز جهت رفع این عطش ذاتی، رهنمودهایی در قرآن کریم مطرح نموده که یکی از این رهنمودها حول محور «تهجد» می‌چرخد. از آنجایی که خداوند در ۲۱

آیه از قرآن به تهجد و عبادت‌های شبانه اشاره کرده است و رسیدن به قرب الهی و آرامش حقیقی را در گرو آن ذکر کرده است؛ لذا بر آن شدیم که در این تحقیق، راه‌های تهجد در قرآن را بررسی کنیم و مسیر رسیدن به قرب الهی را هموار سازیم. «تهجد» به معنای بیدار شدن از خواب برای نماز و یا دیگر عبادت‌های شبانه می‌باشد. واژه «حب دنیا» را می‌توان از واژگان متضاد با تهجد نام برد و تقابل این واژه با تهجد را می‌توان در قرآن مشاهده نمود؛ لذا اگر انسان در مسیر هدایت که از سوی خداوند تعیین شده قرار نگیرد، این حالت در نفس او ایجاد می‌شود.

از بررسی همنشینان تهجد مشخص می‌شود که واژگان «انفاق، صبر، زکات، امر به معروف و نهی از منکر» از حیث هدف نهایی که شخص به آن می‌رسد و هم از حیث راه وصول به قرب الهی، هم سو با تهجد می‌باشد. با استناد به آیه ۱۱۳ سوره آل-عمران می‌توان گفت که تهجد فقط مخصوص مسلمانان نمی‌باشد؛ بلکه از اهل کتاب، گروهی که درستکار هستند نیز به آن توجه دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در قرآن کریم، نماز، استغفار، قرائت قرآن و تسبیح از راه‌های تهجد و عبادت‌های شبانه می‌باشد، ولی در مورد قرائت قرآن و تسبیح برخی از مفسرین بر این باورند که آن جزئی از نماز است و عمل مستقلی محسوب نمی‌گردد. برخی نیز مراد از استغفار را همان نماز شب می‌دانند.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که خداوند در قرآن مقام محمود، عبادالرحمن و محسنین را فقط برای متهجدین ذکر کرده است. خداوند در قرآن بیان می‌کند که انسان می‌تواند به واسطه نماز شب معارف بلند و سنگین هستی را دریابد و به چشم دل شهود کند. خداوند در قرآن کریم فائده دیگر تهجد را حضور قلب بیشتری که در شب بر انسان غالب می‌شود، بیان می‌دارد که این حضور قلب مقدمه‌ای برای قرب الهی می‌باشد.

منابع

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بیروت: موسسه التاریخ، اول، ۱۴۲۰ ق.
۲. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۲۲ ق.
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، جلد، بیروت: دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۹ ق.
۴. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت - لبنان، سوم، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقائیس اللغه*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی، اول، ۱۴۰۸ ق.
۷. آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ ق.
۸. امین، نصرت بیگم، *مخزن العرفان در علوم قرآن*، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش.
۹. جصاص، احمد بن علی، *احکام القرآن*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، اول، ۱۴۰۵ ق.

۱۰. جوهری، اسماعیل بن حمار، تحقیق / احمد عبدالغفور عطار، الصحاح، بیروت: دارالعلم الملايين، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد تفسیر اثنا عشری، تهران: انتشارات میقات، اول، ۱۳۶۳ ش.
۱۲. حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، انتشارات الفقاهه، اول، ۱۴۲۷ ق.
۱۳. حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالتقلین، قم: اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. زمخشری، ابو القاسم، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، سوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ایران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۵۷ ش.
۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. شوکانی، محمد، فتح القدير، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. صفوی، کوروش، درآمدی بر معناشناسی، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۷۹ ش.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۱. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، سوم، ۱۴۱۶ ق.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول، بی تا.
۲۴. فاضل مقداد، النافع لیوم الحشر فی شرح باب الحادی عشر، کتابفروشی علامه، ۱۳۶۸ ش.
۲۵. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۲۰ ق.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، دوم، ۱۴۱۰ ق.
۲۷. فیروزآبادی، مجد الدین أبو طاهر محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، بیروت: احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۲۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر، دوم، ۱۴۱۵ ق.
۲۹. قرشی بنابی، علی اکبر تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، دوم، ۱۳۷۵ ش.
۳۰. قطب راوندی، سعید بن هبه الله فقه القرآن، قم: انتشارات کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۵ ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الکتب للترجمه و النشر، اول، ۱۴۰۲ ق.
۳۳. مغنیه، محمد جواد، الکاشف، قم: دارالکتب الاسلامی، اول، ۱۴۲۴ ق.

۳۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران: مکتب المرتضویه، اول، بی تا.

۳۵. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۲ ق.

۳۶. واسطی زبیدی حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، اول، ۱۴۱۴ ق.

